

A Journey to Social Justice Through the Road of Art; A Reflection on the Content Components of Social Justice Art Education

Hassanali Garmabi

Department of Educational Sciences, Farhangian University, P.O. Box 14665-889,
Tehran, Iran

ABSTRACT

Keywords:

Justice
ArtSocial Justice
Art Education
Art
social studies

1 .Corresponding
author

 h.garmabi@cfu.ac.i

Background and Objectives: Justice is one of the important concepts in curricula, especially social studies. Among them, other learning areas also have the ability to address justice, one of which is the field of art learning. In this regard, experts have proposed new topics such as active art, art of democracy, art of social justice, etc. to move beyond traditional art education that emphasizes only artistic skills. This article aims to introduce art education of social justice as a curriculum for the field of art learning and provide a content framework for it. **Methods:** This purpose was achieved by the method of document analysis. The research community is all written scientific sources in the field of art education on social justice, which the researcher has reviewed and analyzed by sampling available books and articles. **Findings:** The study findings include 10 components and topics including gender, language, religion, disability, nationality, citizenship and immigrants, race and ethnicity, social and economic class, patients, student differences, and the current state of education in learning areas, scientific and academic disciplines. **Conclusion:** Teaching social justice arts establishes a meaningful connection between school education and life in society and provides many topics for artistic activity in art lessons. Teaching justice in the field of art learning has some differences from teaching it in social studies. Therefore, it is suggested that art teachers design and present several learning activities based on what is stated in this article.

ISSN (Online): [2717-2651](#)

DOI: [10.48310/rsse.2026.19785.1273](#)

Received: 2025.06.10 Reviewed: 2026.02.19 Accepted: 2026.03.14 PP: 20

Citation: Garmabi Hassanali (2026): A Journey to Social Justice Through the Road of Art; A Reflection on the Content Components of Social Justice Art Education. *The Journal of Research Social Studies Education* , 8(1), 61-81.

 <https://doi.org/10.48310/rsse.2026.19785.1273>



سفری به عدالت اجتماعی از جاده هنر؛ تأملی بر مؤلفه‌های محتوای آموزش هنر عدالت اجتماعی

حسنعلی گرمابی

گروه آموزشی علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۱۸۸۸-۵۶۴۴۱ تهران، ایران

چکیده

پیشینه و اهداف: عدالت یکی از مفاهیم مهم در برنامه‌های درسی بویژه مطالعات اجتماعی است. در این میان حوزه‌های یادگیری دیگری نیز قابلیت پرداختن به عدالت را دارند که یکی از آن‌ها حوزه یادگیری هنر است. در این راستا صاحب‌نظران برای عبور از آموزش سنتی هنر که صرفاً بر مهارت‌های هنری تأکید داشته، موضوعات جدیدی مانند هنر فعال، هنر دموکراسی، هنر عدالت اجتماعی و غیره را مطرح ساخته‌اند. حال این نوشتار بر آن است که آموزش هنر عدالت اجتماعی را به عنوان یک برنامه درسی و برای حوزه یادگیری هنر معرفی و چارچوب محتوایی برای آن ارائه نماید. **روش‌ها:** این مقصود با روش مطالعه تحلیل اسناد انجام شده است جامعه پژوهشی کلیه منابع علمی نوشتاری در حوزه آموزش هنر در مورد عدالت اجتماعی بوده که پژوهشگر با نمونه‌گیری در دسترس کتاب‌ها و مقالات مربوطه را بررسی و تحلیل نموده است. **یافته‌ها:** یافته‌های مطالعه شامل ۱۰ مؤلفه و موضوع شامل جنسیت، زبان، مذهب، معلولیت، ملیت تابعیت و مهاجران، نژاد و قومیت، طبقه اجتماعی و اقتصادی، بیماران، تفاوت‌های شاگردان و وضع موجود آموزش حوزه‌های یادگیری، رشته‌های علمی و تحصیلی است. **نتیجه‌گیری:** آموزش هنر عدالت اجتماعی ارتباطی معنی‌دار بین آموزش مدرسه‌ای و زندگی در جامعه برقرار ساخته و موضوعات بسیاری برای فعالیت هنری در جلسات درس هنر فراهم سازد و آموزش عدالت در حوزه یادگیری هنر با آموزش آن در مطالعات اجتماعی تفاوت‌هایی دارد. لذا پیشنهاد می‌گردد معلمان هنر فعالیت‌های یادگیری متعددی را بر اساس آنچه در این نوشتار آمده طراحی و ارائه نمایند.

DOI:10.48310/rs
se.2026.19785.12
73

واژه‌های کلیدی:

عدالت

هنر

هنر عدالت اجتماعی

آموزش هنر

مطالعات اجتماعی

۱. نویسنده مسئول

h.garmabi@cfu.ac.i
r✉

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۲۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۱/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۲۳

شماره صفحات: ۲۰

مقدمه

عدالت یکی از فضیلت‌های بنیادین است که همواره در طول تاریخ از سوی اندیشمندان، مدنظر قرار گرفته است. افلاطون برای مدینه فاضله موردنظر خود چهار صفت حکمت، شجاعت، خویشتن داری و عدالت را ذکر کرده است که عدالت در عرض سه صفت دیگر نیست بلکه به وجود آورنده و ضامن بقای آنهاست. (Karimi, 1989:32) به زعم افلاطون عدالت این است که هر یک از افراد جامعه به وضع و موقعیتی که در اجتماع دارد خشنود باشد و آن را قبول کند و وظایف مربوطه را به حد کمال انجام دهد (همان منبع). همچنین نزول آیات متعددی درباره عدل و عدالت در قرآن کریم نمایانگر اهمیت آن در جامعه بشری است. جایی که قرآن کریم می‌فرماید: «ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب و میزان فرود آوردیم تا مردم به قسط و عدل برخیزند» (سوره حدید: ۲۵).

مفسرین بیان می‌کنند که هدف از اعزام این مردان بزرگ (انبیا) با این تجهیزات کامل، همان اجرای قسط و عدل است (Makarem shirazi, 1995:370). حضرت علی علیه السلام نیز در نامه ۵۳ (Dashti, 2011:409) خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «برترین چیزی که موجب روشنایی چشم زمامداران می‌شود برقراری عدالت در همه بلاد و آشکار شدن علاقه و محبت مردم به آنهاست». از این رو می‌توان گفت عدالت فضیلتی است که بشر از ابتدا به دنبال استقرار آن بوده است. از دیدگاه حقوق بین‌المللی بشر، عدالت به عنوان یک اصل بنیادی و ارزش اساسی از طریق رعایت حقوق اساسی، تأمین توازن و تساوی در دسترسی به منابع، فرصت‌ها و عدم تبعیض مورد تأکید قرار می‌گیرد. لذا عدالت والاترین ارزش انسانی و گوهر گرانبها در راه تحقق حقوق بشر است (Kaki, Sadr, Alizadeh monfared, 2022).

نظر به اهمیت عدالت به عنوان یکی از آمال و آرمان‌های انسان‌ها، نظام‌های آموزشی و صاحب نظران تعلیم تربیت همواره بدان توجه کرده‌اند. شیروانی، جهرمی و دهقانی (Shirvani, Jahromi and Dehghani, 2021) بیان می‌کنند مفهوم عدالت باید از همان ابتدا، در وجود دانش آموز نهادینه گردد تا در زمان حال و آینده، دانش‌آموز بتواند رفتاری توأم با انصاف داشته باشد. در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی پرورش روحیه عدالت‌خواهی به عنوان یکی از مقوله‌های مهم در چشم انداز برنامه درسی ملی، همچنین به عنوان یکی از شایستگی‌های پایه در عنصر اخلاق مطرح شده است. تحقق چنین مقصودی همچون سایر مقاصد تربیتی، نیازمند فرصت‌های یادگیری است که در قالب برنامه‌های درسی به منصه ظهور می‌رسند. این نوشتار بدنبال آن بوده که راهبردی برای نحوه‌ی ترویج روحیه‌ی عدالت‌خواهی در دانش‌آموزان معرفی نماید.

بیان مسئله

عدالت و دسترسی یکی از مهم‌ترین سیاست‌های آموزشی در هر کشوری است. در برنامه‌های توسعه کشورهای مختلف معمولاً سیاست‌ها، راهبردها و برنامه‌های عملیاتی با مضمون عدالت و دسترسی پیش‌بینی می‌شود. یونسکو در تحلیل و ارزیابی سیاست‌های آموزشی کشورهای مختلف همواره این عامل را توصیه و مدنظر قرار می‌دهد. در تحلیل سیاست‌های آموزشی همواره این پرسش مطرح می‌گردد که آیا همه‌ی مردم می‌توانند به فرصت‌های آموزشی دسترسی داشته و در آن شرکت نمایند. به عبارت دیگر آیا مردم تمام مناطق جغرافیایی و گروه‌های مختلف جمعیتی تحت پوشش سیاست‌های آموزشی قرار گرفته‌اند و چه میزانی از جمعیت واقعاً به امکانات و فرصت‌های آموزشی مختلف موجود دسترسی دارند و از آن استفاده می‌کنند؟ (UNESCO,2013:26)

عدالت آموزشی از نمونه مصادیق عدالت است که از سوی سازمان های بین‌المللی مانند یونسکو به عنوان یک دغدغه مشترک انسانی مدنظر قرار گرفته است و این امر بر اهمیت عدالت و پیگیری آن از سوی ارگان‌های مختلف بویژه نظام آموزشی دلالت دارد؛ برای مثال، در نظام آموزشی ایران مضمون عدالت در برنامه‌های مختلف مانند برنامه زیرنظام‌های شش گانه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش گنجانده شده است؛ لیکن آنچه مربوط به این نوشتار است مطرح شدن آن در زیرنظام برنامه درسی است. مطابق برنامه درسی ملی، برنامه‌های درسی علوم انسانی و مطالعات اجتماعی به طور ویژه بر موضوع عدالت اجتماعی متمرکز هستند که این مهم بدین شکل مورد اشاره قرار گرفته است: «آموزش‌های این حوزه برخاسته از فرهنگ و تاریخ جامعه در خدمت هویت تاریخی و فرهنگیان می‌باشد و بسترهای لازم برای تحقق عدالت و پیشرفت را فراهم می‌آورد» (Supreme Council of Education,2011) هرچند مطابق یافته پژوهشی کوهی اقدام (Kohi Eghdam,2023) که بیان می‌کند کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی دوره دوم ابتدایی، کمترین توجه را به عدالت‌جویی دارند برنامه‌های درسی این حوزه یادگیری هنوز با آنچه برنامه درسی ملی بیان نموده فاصله دارد.

علاوه بر حوزه مطالعات اجتماعی، حوزه‌های یادگیری دیگری نیز همچون حوزه‌ی یادگیری فرهنگ و هنر و غیره می‌توانند به پرورش روحیه‌ی عدالت خواهی بپردازند. هنر نوعی زبان است زبانی در مقیاس بین‌المللی که حائز توان بالقوه‌ای برای برقراری ارتباط بین آدمیان فارغ از هر نوع زبان کلامی و ادبی است. این ویژگی سبب شده است که بشر از دیرباز با زبان هنر در پی ارتباط با هم‌نوعان هم‌عصر و همچنین غیر هم‌عصر خویش بوده است. نگاهی به دیواره‌های سنگی باقیمانده از گذشته‌های دور نشان می‌دهد آدمی تلاش کرده است با زبان هنر پیام‌های خود را از طریق سنگ‌نگاره‌ها و نوشته‌ها به هم‌نوعان زمانه‌ی خود و آیندگان ارسال نماید. البته

صاحب‌نظرانی همچون جان دیویی و ماکسین گرین بر جریان‌هایی در آموزش هنر که به اهمیت پیوند هنر و تغییر و تحول اجتماعی می‌پردازند تأثیر گذاشته‌اند و همواره هنرها به طور ویژه چهارچوبی مناسب برای کار در راستای عدالت اجتماعی هستند (Steven, 2015). به عقیده جان دیویی هنر یک زبان بین‌المللی است که آمیخته با زندگی اجتماعی، فرهنگی و مادی است لدی (Leddy, 2013). او تأکید می‌کند وظیفه‌ی ما بازگرداندن پیوستگی و پیوند میان آثار هنری و تجارب، رخدادهای و اعمال روزمره است (Greene, 2001).

هنر به مثابه‌ی دنیایی که آمیخته با زندگی اجتماعی و فرهنگی است عدالت را نیز در کانون توجه خود قرار داده و هنرمندانی در دنیا از هنر برای ترویج عدالت اجتماعی بهره‌جسته‌اند. برای مثال آی وی وی^۱ هنرمند برجسته و معاصر چینی مسائل حقوق بشر از جمله پناهندگان و غیره را در هنر مورد توجه قرار داده است. او در ۲۰۱۸ به مناسبت هفتادمین سال اعلامیه جهانی حقوق بشر از پرچمی با رنگ آبی روشن رونمایی کرد این پرچم دارای ردپایی است که از نقاط سفید در مرکز آن تشکیل شده است و این نقاط سفید را از رد پای برهنه پناهندگان مربوط به حملات میانمار الهام گرفته است (Ponzanesi, 2019). یا کارا واکر^۲ هنرمند معاصر آمریکایی تلاش دارد بینندگان را به چالش کشیده و با حقایق ناراحت‌کننده در مورد تاریخ آمریکا مانند رابطه سیاهان و سفیدپوستان و واقعیت‌های امروزی روبرو سازد (Emma, 2008).

باعنایت به آنچه گفته شد یکی از حوزه‌های یادگیری در نظام آموزشی که می‌تواند به موضوع عدالت اجتماعی بپردازد حوزه‌ی یادگیری فرهنگ و هنر است. گنجاندن عدالت اجتماعی در برنامه درسی هنر به عنوان یکی از حوزه‌های یادگیری، با رویکرد تلفیقی در سازماندهی برنامه درسی و فرصت‌های آموختن سازگار است. رویکرد تلفیقی که در پاسخ به نقد رویکرد تفکیکی سازماندهی برنامه‌های درسی در قالب رشته‌های علمی پدید آمده (Musapour, 2024:305)، به دنبال درآمیختن رشته‌های علمی به جای ارائه‌ی برنامه‌های درسی در قالب رشته‌ها و موضوعات جداگانه است. این رویکرد باور دارد که می‌تواند بستری مناسبی برای یادگیری یکپارچه و معنادار فراهم سازد (Mehrmohammadi, 2009:221). پس می‌توان گفت هنرها می‌توانند در راستای آموزش عدالت اجتماعی بستری مناسب فراهم سازند؛ حال سؤال این است اگر عدالت اجتماعی بخواهد به عنوان بخشی از محتوای آموزش هنر قرار گیرد آن بخش شامل چه موضوعات و رؤوس محتوایی خواهد بود؟ به عبارت دیگر چارچوب محتوای آموزش هنر عدالت اجتماعی شامل کدام مفاهیم، مضامین و موضوعات می‌تواند باشد که معلمان با رجوع به آن‌ها بتوانند فرصت‌های یادگیری برای آن‌ها پیش‌بینی و اجرا نمایند؟ از این

1-Ai Weiwei

2-Kara Walker

رو این نوشتار، بدنبال آن بوده است که هنرِ عدالت اجتماعی را به عنوان یک موضوع جدید در حوزه آموزش و یادگیری، معرفی نماید و بستری مناسب برای تأمل علمی و عملی معلمان و صاحب‌نظران فراهم کند.

پیشینه و چارچوب نظری

عدالت مفهومی پرتطرفداری است که از سوی فیلسوفان، سیاستمداران، جامعه‌شناسان و غیره همواره مورد توجه قرار گرفته است. هرچند ارائه توصیف یا تعریفی جامع از آن همچون بسیاری از مفاهیم علوم انسانی دشواری خاصی را بدنبال دارد؛ اما از آن جاکه در دوران پسامدرن ارزش دادن به تفاوت‌ها، تضمین منصفانه از هویت متکثر عدالت است و تفاوت و تکثر به عنوان واقعیاتی کاهشناپذیر باید در گفتمان عدالت مورد توجه قرار گیرد. (Taheri, Afzali & Nozari, 2022)

در این نوشتار منظور از عدالت اجتماعی، میزان توجه و ارزش دادن به گروه‌ها، پدیده‌ها و موضوعات متفاوت و متنوع اجتماعی و فاصله گرفتن از تسلط و مشروعیت گروه‌ها و موضوعات محدود یا خاص است. در این راستا هنر به عنوان یک فرصت و بستر برای تحقق اهداف تربیتی مرتبط با عدالت مانند پرورش روحیه‌ی عدالت‌خواهی قابل طرح است. همان‌طور که گفته شد این ایده از سوی صاحب‌نظران متعددی مورد اشاره قرار گرفته است. هربرت مارکوزه یکی از فیلسوفات تربیتی در این باره می‌گوید «هنرها جهان را تغییر نمی‌دهند اما می‌توانند در موجودات زنده‌ای که ممکن است جهان را تغییر دهند تغییر بوجود آورند» (Marcuse, 1978). ماکسین گرین نیز می‌گوید: «دغدغه‌ی من این است که چگونه در آموزش زیباشناسی و هنر شاگردان را بیدار و آزاد سازم تا نه تنها به وضعیت انسانی که همه در آن سهمیم هستیم واکنش نشان دهند؛ بلکه به بی‌عدالتی‌ها، رنج‌های ناعادلانه، خشونت‌ها و نقائص پاسخ دهند و برای بهبود آن کوشش نمایند. آثار هنری می‌توانند در ارائه و تصویر جهان‌های ممکن دیگر نقش‌آفرینی کنند جایی که معلمان و شاگردان را برای رسیدن به وضع فراتر، غلبه بر کمبودها و در نهایت دگرگون ساختن وضعیت موجود ترغیب سازند و این یکی از وظایف هنر است» (Greene, 2001; 129).

ظرفیت هنر برای پرداختن به عدالت از طریق بالا بردن آگاهی انتقادی و برانگیختن افراد برای ترویج تغییرات اجتماعی موجب شده است در کنار صاحب‌نظران و فیلسوفان، پژوهشگران متعددی نیز به موضوع آموزش هنر عدالت اجتماعی در کلاس‌های درس هنر ورود و آن را بررسی نموده‌اند و موضوع عدالت اجتماعی را با حیطه‌های مورد بحث در آموزش هنر که آیزنر آن‌ها را شامل تاریخ هنر، زیباشناسی، تولید هنر و نقد هنری می‌داند (Mehrmoham

(madi,2004) تلفیق نموده اند. در این راستا فلمن (Felleman,2017) بیان می‌کند هنر روشی قدرتمند برای بحث در مورد مسائل اجتماعی است. هنر ارتباط بیانگرانه دارد و به عنوان راهی برای مشاهده، مقابله و بهسازی نابرابری‌ها در عدالت اجتماعی است.

مامور و ساریباس (Mamur & Saribas,2025) در پژوهشی با عنوان جستجوی عدالت اجتماعی در آموزش هنر به بررسی تجربیات کودکان در برنامه درسی آموزش هنر مبتنی بر عدالت اجتماعی پرداخته و نشان دادند که این برنامه‌ها آگاهی کودکان را در مورد مسئولیت اجتماعی افزایش داده، آنها را تشویق کرده است که با افراد مختلف با مدارا برخورد کنند و به کسب مهارت‌های مرتبط با تلاش‌های تحول اجتماعی، کمک کرده‌اند.

آدی، یوتانگ، آیدو و اووکور (Adie, Utang, Idu & Owokor,2025) در مطالعه‌ای مسیرهای آینده، از جمله نقش فناوری‌های نوظهور و همکاری‌های جهانی هنر را برای تعریف مجدد چشم‌انداز هنر کنشگرانه بررسی می‌کند. این بررسی نتیجه می‌گیرد که با ترکیب دیدگاه‌های متعدد، هنر به عنوان ابزاری برای مقاومت و تغییر دگرگون‌کننده عمل کرده و دارای قدرت پایدار است.

دوهرست (Dewhurst,2010) بیان می‌کند اینکه مردم تصور می‌کنند آموزش هنر عدالت اجتماعی باید بر موضوعات چالش برانگیز مانند نژاد، خشونت، تبعیض و غیره و بیش از حد سیاسی متمرکز باشد باید گفت همیشه اینطور نیست؛ در عوض زمانی که فرایند ساخت هنر به مشارکت کنندگان روشی برای ساختن دانش، تحلیل انتقادی یک ایده و اقدام در محیط، ارائه می‌کند آنها را درگیر هنرسازی در خصوص عدالت اجتماعی کرده است.

کونیلیس، شرو و کارپنتر (Cornelius, Sherow & Carpenter,2010) منبعی آموزشی ارائه کرده‌اند که این منبع، پس از بحث درباره اهمیت آب در زندگی انسان یک مجموعه‌ای متشکل از نمونه‌های هنر معاصر و فرهنگ بصری ارائه کرده است و پیشنهاد نموده‌اند دانش‌آموزان ارتباطات متقابل میان جامعه، فرهنگ، محیط زیست، بهداشت و دیگر موضوعات مرتبط با آب را بررسی، تجربه و ایجاد کنند. به عبارت دیگر دانش‌آموزان تجربیات شخصی خود را به کلاس آورده و درباره مسئله آب در کلاس هنر بحث نمایند؛ برای مثال آنها داستان‌های زندگی خود را به اجرای صحنه‌ای وارد ساخته و از این طریق بین تجارب زندگی و کلاس‌های هنر ارتباط برقرار می‌نمایند.

گالووی، اسکریون و باتس (Galloway, Scriven & Pott,2010) یک پروژه سه ساله را برای افزایش اعتماد به نفس دانش‌آموزان طراحی کردند که کل دوره تحصیلی راهنمایی را پوشش می‌داد. در این پروژه دانش‌آموزان درباره زندگی خود می‌نوشتند و از نوشته‌های آنها برای اجرای صحنه‌ای استفاده می‌کردند. برای تقویت اجرا معلمان دانش‌آموزان را تشویق می‌کردند

که موسیقی، رقص و هنرهای بصری را مورد توجه قرار دهند. نتایج نشان داد که مخاطبان شامل معلمان، مدیران مدرسه و ناحیه، بزرگان محلی، دانش آموزان سایر کلاس‌ها و اعضای خانواده پیشرفت دانش آموزان را تأیید کردند و ذکر نمودند که پروژه، اعتماد به نفس دانش آموزان را از طریق نمایش آثار هنریشان، اجرای نمایش و تعامل با همکلاسی‌ها تقویت کرده است.

دیویدسون (Davison, 2010) استفاده از عکاسی برای آوردن مستنداتی از تجارب دنیای واقعی به کلاس درس و ساختارشکنی تصاویر کلیشه‌ای مربوط به گروه‌های اقلیت را مورد بررسی قرار داد. دیویدسون به دانش آموزان کلاس چهارم ابتدایی یاد داد که از دوربین‌ها برای مستندسازی، ثبت و ضبط تصاویر خانواده و جامعه خودشان استفاده کنند. در این فرایند دانش آموزان یاد گرفتند که چگونه عکس‌های سیاه و سفید تهیه کرده و این تصاویر را به داستان‌های شخصی تبدیل کنند و همچنین کتاب‌های دست‌ساز و پرتره‌های شخصی تولید کنند. تصاویر و داستان‌های خلق شده به وسیله شرکت کنندگان، اغلب تضاد و اختلاف چشمگیری با بازنمایی‌های کلیشه‌ای مربوط به گروه‌های اقلیت مهاجران و محرومان اقتصادی به همراه داشته است.

کاتز (Katze, 2018) معلمان هنر را تشویق می‌کند تا در کلاس‌های هنر، مسائل مربوط به عدالت اجتماعی را برای بهبود رفاه جوامع محلی مطرح و مورد توجه قرار دهند. او اضافه می‌کند یک برنامه درسی که عامل خلاقیت را با دیدگاه عدالت اجتماعی تلفیق می‌کند نه تنها بر ظرفیت دانش‌آموزان برای بیان آزادانه ایده‌ها از طریق هنرسازی و طراحی تمرکز می‌کند بلکه چگونه این ایده‌ها می‌توانند زندگی و رفاه را در جوامع محلی بهبود ببخشند نیز توجه دارد. لی (Li, 2020) برنامه درسی عملیاتی آموزش هنر عدالت اجتماعی را از دیدگاه ۵ نفر معلم مجری بررسی نموده است یافته‌های وی نشان می‌دهد آموزش هنر عدالت اجتماعی تفکر انتقادی دانش آموزان را تقویت می‌کند و به آن‌ها کمک می‌کند مسائل مختلف ناعادلانه اجتماعی موجود در زندگی روزمره را تحلیل کنند. آموزش‌های انتقادی بستر را برای کمک به معلمان برای بحث در مورد مسائل عدالت اجتماعی در کلاس‌ها فراهم می‌کند. معلمان هنر احساس می‌کردند که در مورد چندین موضوع عدالت اجتماعی مانند جنسیت و مسائل نژادی در کلاس به چالش کشیده می‌شوند. این معلمان همچنین گزارش دادند که دیدگاه مدیران مدرسه و والدین در مورد اجرای برنامه‌های درسی هنر عدالت اجتماعی تأثیر می‌گذارد.

چو (cho, 2025) در پژوهشی، با عنوان «داستان‌های دیجیتال: کاربرد رویکرد مبتنی بر هنر برای عدالت اجتماعی» بیان می‌کند داستان دیجیتال درباره عدالت اجتماعی، فرصت‌هایی برای یادگیرندگان فراهم کرد که به طور انتقادی در مورد راه‌هایی که موقعیت و امتیاز خودشان

با بی‌عدالتی اجتماعی تلاقی می‌کند تأمل کنند؛ در نهایت داستان دیجیتال به عنوان یک تجربه تحول‌آفرین عمل کرد که خودکارآمدی عدالت اجتماعی را برای مقابله با بی‌عدالتی تقویت نمود.

این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که اولاً عدالت اجتماعی می‌تواند سوژه بسیار مناسبی برای فعالیت‌ها و ساخت‌های هنری دانش‌آموزان فراهم سازد و هنر ضمن تحقق بخشیدن به اهداف و شایستگی‌های هنری بستری مناسب برای پرداختن به عدالت اجتماعی را میسر نماید؛ ثانیاً پژوهش‌های انجام شده مربوط به خارج از کشور بوده و مطابق بررسی پژوهشگر در ادبیات پژوهشی داخلی این موضوع، مورد توجه قرار نگرفته است. حال با آشکار شدن چنین بستری پرسش آن است کدام موضوعات و محتوایی از عدالت اجتماعی می‌تواند در هنر گنجانده شود تا هنر مرکب و معبری برای تحقق اهداف آموزش عدالت اجتماعی مهیا نماید. بدین سبب این نوشتار در پی آن است که موضوعات و مفاهیم کلیدی مربوط به آموزش هنر عدالت اجتماعی را معرفی نماید.

روش

روش پژوهش این مقاله از منظر هدف از نوع تحقیقات کاربردی و توصیفی بوده که در صدد توصیف رئوس مطالب و محتوای آموزش هنر عدالت اجتماعی است. از منظر اجرا نیز گردآوری داده‌ها با روش پژوهش اسنادی انجام پذیرفته که با تحلیل و بررسی منابع مطالعاتی مربوطه، رئوس محتوا استخراج و استنتاج گردیده است. جامعه پژوهشی کلیه منابع علمی نوشتاری در حوزه آموزش هنر در مورد عدالت اجتماعی است که پژوهشگر با روش نمونه‌گیری هدفمند و البته به شکل گلوله برفی، کتاب‌ها و مقالات مربوطه به تعداد ۹ اثر را بررسی و تحلیل نموده و بدین وسیله مؤلفه‌ها و مضامین مربوط به هنر عدالت اجتماعی را استنتاج کرده است البته نبود منابع داخلی و محدودیت منابع لاتین یکی از مسائل مهم در انجام نمونه‌گیری بوده است. روش نمونه‌گیری هدفمند برای توصیف نوعی از نمونه‌گیری به کار می‌رود که در آن مواردی که از لحاظ هدف‌های تحقیق کیفی اطلاعات غنی دربر دارند انتخاب می‌شوند (Gall, Borg & Gall, 2020:389). برای اعتباریابی و پایایی یافته‌ها از روش تأییدپذیری مطالعات کیفی استفاده شده است که پژوهشگر در فرایند رفت و برگشتی رئوس محتوای استخراج شده را در بازه‌های زمانی متفاوت و همچنین یافته‌های بدست آمده از تحلیل منابع مختلف را با همدیگر مقایسه نموده و در جمع‌بندی به خرده موضوعات آموزش هنر عدالت اجتماعی دست یافته است.

یافته‌ها

همان طور که قبلاً ذکر شد در این مطالعه پژوهشگر بدنبال مهم‌ترین موضوعاتی که می‌توان آن‌ها را در آموزش هنر عدالت اجتماعی مورد توجه قرار داد بوده است. حال موضوعاتی که براساس این مطالعه استخراج شده است به شرح زیر مورد اشاره قرار می‌گیرد.

(۱) جنسیت

جنسیت مفهومی است که بر ویژگی‌های شخصی، روانی، فرهنگی و اجتماعی به جای ویژگی‌های بیولوژیکی دو جنس مرد و زن اشاره می‌کند. این عبارت بیانگر آن است که جنسیت و جنس تمایز مهمی با یکدیگر دارند و یکسان نیستند. باستانی (Bastani, 1378) بیان می‌کند جامعه شناسان تمایز مهمی میان جنس و جنسیت قائلند اصطلاح جنس به تفاوت‌های بیولوژیک میان زن و مرد و جنسیت ناظر بر ویژگی‌های شخصی و روانی است که جامعه آن را تعیین می‌کند. با این توضیح وقتی ویژگی‌های شخصی و روانی خاصی را جامعه به مردان یا زنان نسبت می‌دهد چون فرهنگ جوامع با یکدیگر متفاوت است بدیهی است ویژگی‌های شخصی و روانی نسبت داده شده به مردان و زنان در جوامع مختلف متفاوت باشد. مقایسه این وضعیت در کشورها و محیط‌های گوناگون موجب می‌شود در برخی جوامع شکاف و تبعیض جنسیتی از سوی منتقدین مطرح گردد. لذا جنسیت تم و مقوله‌ای است که می‌تواند در آموزش هنر عدالت اجتماعی مورد توجه قرار گیرد که ضمن تولیدات هنری و هنرسازی دانش آموزان تبعیض‌های جنسیتی را در قالب‌های مختلف بیان نمایند و مخاطبان را نسبت به آنها آگاه و حتی هشدار دهند.

(۲) زبان

زبان مهم‌ترین ابزار ارتباطی انسان است. انسان‌ها در جوامع، اقوام و فرهنگ‌های متفاوت با زبان‌ها و گویش‌های متمایزی با همدیگر ارتباط برقرار می‌نمایند. از سوی دیگر در کشورهای مختلف یک زبان به عنوان زبان رسمی تعیین و برای بیان مقاصد و پیام رسمی از آن استفاده می‌گردد. نظر به ظرفیت‌ها و ویژگی‌های متمایز هر زبان این پرسش قابل طرح است که زبان‌های غیر رسمی در یک کشور تا چه اندازه به رشد و ترویج خود ادامه یا با چه محدودیت‌ها و کم‌توجهی‌هایی از سوی مردم یا دولت مواجه هستند؟ مضمون این پرسش موضوع مناسبی برای آموزش هنر عدالت اجتماعی است که دانش آموزان بر اساس درک و مطالعه آن می‌توانند به تولید هنری مربوطه اقدام نمایند.

(۳) معلولیت

سازمان بهداشت جهانی (WHO, 2025) بیان می‌کند معلولیت بخشی از انسان بودن است. تخمین زده می‌شود که ۱.۳ میلیارد نفر - حدود ۱۶٪ از جمعیت جهان - در حال حاضر معلولیت قابل توجهی را تجربه می‌کنند. این تعداد به دلیل افزایش سن جمعیت و افزایش شیوع بیماری‌های غیرواگیر در حال افزایش است. افراد دارای معلولیت عمر کوتاهی داشته و سلامت ضعیفی دارند و به دلیل نابرابری‌های بهداشتی محدودیت‌های بیشتری را در کارهای روزمره نسبت به بقیه افراد جامعه تجربه می‌کنند. فرد معلول کسی است که بخشی از توانایی‌ها به فیزیکی جسمی اجتماعی حرفه‌ای ذهنی و روانی خود را از دست داده یا اصلاً به دست نیاورده است بر اساس این تعریف معلولین به چهار دسته معلولین ذهنی، روانی جسمی و اجتماعی تقسیم می‌شوند (همان منبع). بدیهی از هر یک از این گروه‌ها، شرایط زیستی متفاوتی را برای حیات شهروندی نیاز و حقوق متمایزی برای آنان رقم می‌زند که نیاز است نهادها و عموم مردم نسبت به برآورد و رعایت آن اهتمام ورزند. هنر به مثابه یک زبان بیانی فرصت مناسبی برای تأمل دانش آموزان درباره حقوق معلولان و متعاقب آن بیان و آگاهی بخشی به دیگران فراهم می‌سازد.

۴) مذهب

مذهب به مسیر اعتقادی انسان‌ها مربوط است. در اینجا مراد از مذهب، هم دین و هم گرایش خاصی از یک دین است. در هر کشوری ممکن است مردمان مختلف دین و مذهب‌های گوناگون داشته باشند. در برخی از کشورها از جمله ایران این دین‌ها و مذهب‌ها در قانون اساسی به رسمیت شناخته شده‌اند در اصل ۱۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چنین آمده است (Fathi & Karami esfahani, 2018) « دین رسمی ایران ، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است ... و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی ، شافعی ، مالکی ، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی ، طبق فقه خودشان آزادند». در اصل ۱۳ نیز در مورد دین‌های غیراسلامی چنین بیان گردیده است (همان منبع): «ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیتهای دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند».

میزان رعایت چنین قوانینی در هر کشوری از سوی دولت و عامه مردم آن کشور می‌تواند موضوع بسیار مناسبی برای فعالیت هنری در مورد عدالت اجتماعی باشد.

۵) ملیت تابعیت و مهاجران

ملیت به رابطه معنوی جامعه شناسی یک فرد با کشور خود برمی‌گردد و تابعیت به ارتباط سیاسی و حقوقی میان دولت و فرد مربوط می‌شود و یک فرد را به یک دولت مرتبط می‌سازد؛

مهاجران نیز کسانی هستند که به طرق قانونی یا غیرقانونی راهی کشورهای دیگر می شوند (Abdollahi, 2014). بحث در مورد تفاوت این اصطلاحات به لحاظ حقوقی خارج از حوصله بحث است. آنچه در اینجا مد نظر است این است که افراد دارای ملیت و تابعیت متفاوت و همینطور مهاجران قانونی و غیرقانونی از چه حقوقی در یک کشور برخوردارند و تا چه اندازه این حقوق رعایت می گردد. از سوی دیگر تا چه اندازه استعدادها و توانایی های افراد دارای ملیت و تابعیت مختلف پرورش و برای خدمت به بشریت مورد بهره برداری قرار می گیرند. این پرسش ها و مشابه آن موضوعات مناسبی برای آموزش هنر عدالت اجتماعی است که می توان به آنها پرداخت.

۶) نژاد و قومیت

نژاد و قومیت دو مفهوم مرتبط و در عین حال متمایز از یکدیگر هستند نژاد فراتر از تفاوت های ظاهری نیست (Saini, 2020) در نژاد بیشتر ویژگی های طبیعی و جسمانی مد نظر است (Bigdelo & Morsali, 2017). بر این اساس می توان گفت نژاد با طبقه بندی بیولوژیکی سر کار دارد و بر اساس ویژگی های ژنوتیپ و فنوتیپ مشخص می گردد در حالی که قومیت بیشتر با گروه های اجتماعی سر و کار داشته که به علایق گروهی اجتماعی که اعضای آن خود را با تجارب مشترک نیاکانی، تاریخی، فرهنگی و ملی تعریف می نمایند. اعضای این گروه برای حفظ و حراست از ویژگی ها و خصایص خویش با هم احساس همبستگی دارند و دیگران نیز آنان را متفاوت از خویش می بینند (Fazaeli & Karami, 2017).

تفاوت شهروندان یک کشور به لحاظ نژاد و قومیت موضوعی است که آموزش هنر عدالت اجتماعی نمی تواند آن را نادیده بگیرد اینکه در زمینه برخورداری از حقوق شهروندی مانند حقوق اجتماعی و سیاسی شهروندان دارای نژادها و قومیت های مختلف چه وضعیتی دارند در خور فعالیت های هنری هست.

۷) طبقه

طبقه واژه ای است با معانی گوناگون (Kerampton, 2017) علی رغم گوناگونی معنی طبقه آنچه در اینجا مد نظر است پایگاه اجتماعی و اقتصادی افراد و شهروندان است. و بر طبقه را به عنوان گروهی از مردم تعریف کرده که فرصت های زندگی مشابهی دارند فرصت هایی که به وسیله قدرتشان برای فروختن کالا و مهارت ها در جهت کسب و درآمد تعیین می شود و دارایی ملاک تعیین طبقه است اما تنها معیار نیست (Javadi & Maleki, 2020). بر اساس پایگاه اجتماعی و اقتصادی شهروندان به طبقات مختلف مانند طبقه بالا، متوسط و پایین تقسیم می شوند. طبقه بندی موجب می گردد هر جا سخن از عدالت و تبعیض باشد طبقات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نیز مورد توجه قرار گیرند بر این اساس یکی از موضوعات قابل طرح در آموزش هنر

عدالت اجتماعی می‌تواند اختلاف، تفاوت‌ها و تبعیض‌های موجود میان طبقات مختلف شهروندی باشد.

۸) بیماران

بیماری و بیمار همواره یکی از مسائل هر جامعه‌ای است و یکی از شاخص‌های مهم ارزیابی میزان توسعه یافتگی هر کشور سلامت و خدمات درمانی آن است. دسترسی مطلوب به خدمات و امکانات درمانی یکی از پیش نیازهای اساسی برای تحقق توسعه پایدار انسانی به شمار می‌رود (Distaso, 2007). از سوی دیگر هر جا بیماری و بیمار وجود داشته باشد رنج و دشواری در آنجا وجود خواهد داشت لذا یکی از مسائل مهم هر جامعه بیماری و بیماران هستند. اینکه بیماران گوناگون به لحاظ نوع بیماری تا چه اندازه دسترسی مطلوب به امکانات و خدمات درمانی دارند؟ می‌تواند یکی از موضوعات مهم آموزش هنر عدالت اجتماعی به شمار آید.

۹) تفاوت‌های شاگردان

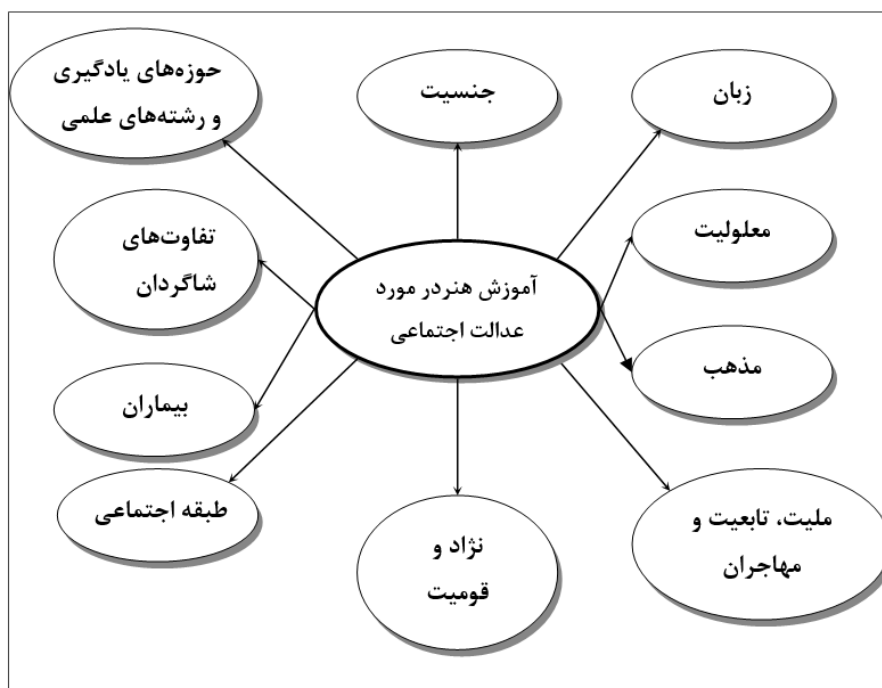
موضوعاتی که برشمرده شد موضوعات فرامدرسه‌ای بودند تفاوت‌های شاگردان و یادگیرندگان اولاً یک موضوع درون سیستمی و مدرسه‌ای است از سوی دیگر اینکه جامعه تا چه اندازه به دانش‌آموزان با ویژگی‌های متفاوت فرصت و خدمات مناسب آموزشی و یادگیری فراهم می‌سازد یک موضوع مناسب در حوزه عدالت اجتماعی است. تفاوت‌های فردی یادگیرندگان موضوع گسترده‌ای است که شامل سبک‌های مختلف یادگیری، توانایی‌های متفاوت شاگردان، پایگاه اجتماعی و اقتصادی خانواده آنها، علایق و نیازهای متفاوت و غیره است اینکه تا چه اندازه نظام آموزشی به فراخور و تفاوت‌های شاگردان خدمات آموزشی مناسب فراهم می‌سازد موضوعی قابل درک و در دسترس برای آموزش هنر عدالت اجتماعی است.

۱۰) حوزه‌های یادگیری، رشته‌های علمی و تحصیلی

یکی دیگر از موضوعات در دسترس و درون سیستمی قابل طرح در آموزش هنر عدالت اجتماعی وضعیت و جایگاه رشته‌های علمی یا به عبارت مناسب‌تر حوزه‌های یادگیری یا دروس و همینطور رشته‌های تحصیلی دوره متوسطه یا حتی آموزش عالی است. اینکه هر یک از دروس و رشته‌های تحصیلی تا چه اندازه از کیفیت آموزشی و امکانات مناسب برخوردار هستند برای دانش‌آموزان قابل لمس و از سویی فرصتی مناسب برای تأمل است. وقتی شاگردان دیدگاه و برداشت خود را از وضعیت آموزش دروس و رشته‌های مختلف تحصیلی در قالب‌های مختلف هنری بیان بدارند منبع الهام بخش و متأثرساز برای برنامه‌ریزان درسی، مدیران و معلمان فراهم می‌گردد تا نقطه نظرات یادگیرندگان را به عنوان یکی از مبانی برنامه درسی و آموزش هم مورد توجه قرار دهند.

بحث

در مقاله حاضر، به دنبال آن بودیم که آموزش هنر عدالت اجتماعی را به عنوان یکی از مؤلفه‌ها و خرده‌موضوعات قابل طرح در حوزه یادگیری هنر معرفی نماییم و به نوعی چارچوب محتوایی برای آن ترسیم نماییم.



شکل (۱): مؤلفه‌ها و رئوس موضوعات آموزش هنر عدالت اجتماعی

همانطور که شکل یک نشان می‌دهد ۱۰ موضوع برای آموزش هنر عدالت اجتماعی برشمردیم این موضوعات با موضوعات مطرح شده در مطالعه (Dewhurst, 2010)، فلمن (Felleman, 2017)، دربی (Derby, 2010) و نایت (Knight, 2019) همخوانی دارد با این حال این چهارچوب محتوایی و موضوعات قابل گسترش است و می‌توان موضوعات دیگری نیز بدان افزود. دوهurst (Dewhurst, 2010) بیان می‌دارد مسائل عدالت اجتماعی می‌تواند بسیار گسترده باشد زمانی که معلمان، دانش‌آموزان را درگیر ساخت دانش، تفکر انتقادی و اقدام کردن کنند فعالیت‌هایی

برای آموزش هنر در مورد عدالت اجتماعی منظور کرده‌اند. به عبارت دیگر هدف در آموزش هنر در مورد عدالت اجتماعی آن است که دانش آموزان تشویق شوند مسائل مختلف اجتماعی را به طور انتقادی تحلیل نموده و دیدگاه‌های خود را در زمینه کاهش مسائل بی‌عدالتی از طریق هنرسازی ابراز نمایند. این فرایند حساسیت، تأمل و درگیری دانش‌آموزان با مسائل عدالت اجتماعی را افزایش و زمینه بحث انتقادی و همچنین رسانه‌ی بیان مسائل اجتماعی آن هم در قالب‌های گوناگون را فراهم می‌سازد و از سویی راهی برای برقراری ارتباط بین هنر و مدرسه با جامعه است.

نکته حائز بحث دیگر این است که آموزش هنر عدالت اجتماعی چه تفاوتی با آموزش مطالعات اجتماعی دارد؟ در پاسخ به این پرسش می‌توان گفت اگرچه میان این دو حوزه شباهت‌های بسیاری وجود دارد اما از آنجا که در آموزش هنر در مورد عدالت اجتماعی فنون هنری و مهارت‌های تولید هنر اهمیت زیادی دارد و دانش آموزان برای بیان نقطه نظرات و ایده‌های خود نیازمند هنر بصری هستند تا هنرسازی کنند و مهارت در قلب هنرسازی قرار دارد با آموزش مطالعات اجتماعی یکسان نیست.

آندرسون و میلبرانت (Anderson & Milbrandt, 2005) بیان می‌کنند: «هنر دست پا چلفتی و بدون مهارت چیزی را منتقل نمی‌کند مهم نیست که ایده پشت آن چقدر خوب باشد». لذا آموزش و مهارت‌های هنری بخش ضروری از آموزش هنر در مورد عدالت اجتماعی به شمار می‌رود تا به دانش آموزان کمک کند دیدگاه‌های خود را به طور بصری منتقل نمایند به عبارت دیگر در کانون مرکزی آموزش هنر عدالت اجتماعی خود حوزه یادگیری هنر دیده می‌شود ولی پیام‌هایی که آثار هنری دانش آموزان به مخاطبان منتقل می‌نمایند مربوط به عدالت اجتماعی است و صرفاً یک تلفیق ساده هنر با درس مطالعات اجتماعی نیست که در آن هنر بیشتر خادم آموزش محتوای مطالعات اجتماعی باشد و اهداف آموزش هنر کمرنگ دیده شود بلکه رسالت اجتماعی هنر در حوزه عدالت محور فعالیت‌های یاددهی یادگیری در درس هنر قرار می‌گیرد که ممکن است آن موضوعات در درس مطالعات اجتماعی همان پایه وجود نداشته باشد. از سوی دیگر آموزش مطالعات اجتماعی حوزه بسیار گسترده‌ای است که علاوه بر مسائل عدالت اجتماعی، موضوعات دیگری نیز همانند جغرافیا، تاریخ، اقتصاد، مردم‌شناسی و غیره می‌پردازد که پرداختن به آن‌ها از حوصله بحث خارج است؛ لذا آموزش هنر عدالت اجتماعی با آموزش مطالعات اجتماعی تا اندازه‌ای متمایز است.

براساس آنچه گفته شد هنر عدالت اجتماعی به عنوان یک حوزه محتوایی قابلیت گنجانده شدن در برنامه درسی هنر را دارد و پرداختن به عدالت اجتماعی و مؤلفه های مهم آن در برنامه درسی هنر امکان پذیر است از این رو به عنوان حوزه جدید مطرح گردیده است. این حوزه محتوایی موجب می گردد آموزش هنر به طور خاص و آموزش مدرسه ای به طور عام ارتباط معناداری با مسائل اجتماعی و مبانی جامعه شناسی داشته باشد. جامعه و مسائل مهم آن مانند عدالت همواره از مبانی یعنی سرچشمه تصمیم گیری های مربوط به عناصر برنامه درسی مانند هدف، محتوا، روش و ارزشیابی بوده است که در آن ها برنامه ریزان و معلمان موضوعات و مسائل جامعه را مطمحنظر خود قرار می دهند.

یافته های این مطالعه بستری فراهم ساخته که برنامه ریزان درسی و معلمان بتوانند در تصمیم گیری های مربوط به پیش بینی موقعیت های یادگیری به سهولت به عدالت اجتماعی به عنوان یکی از مهم ترین آرمان ها و مسائل اجتماعی بپردازند. برای مثال معلمان دوره ابتدایی و حتی دوره متوسطه در برنامه درسی عملیاتی یعنی اجرایی خود در کلاس های درس می توانند به عنوان مجری فعال و برنامه ریز درسی در سطح مدرسه یافته های این مقاله را در کلاس های درس اجرا نمایند تا فرصت های یادگیری در موضوع مهم، اما مغفول عدالت اجتماعی برای دانش آموزان فراهم گردد. به طور مشخص وقتی بخشی از محتوای برنامه درسی موجود هنر دوره ابتدایی مربوط به تاریخ و میراث فرهنگی اجتماعی است به آسانی می توان مسائل جامعه محلی، ملی و جهانی را با زبان هنر کنکاش و بازنمایی کرد و این امر گامی در راستای تحقق روحیه عدالت خواهی دانش آموزان خواهد بود که اتفاقاً این شایستگی به عنوان یکی از اهداف مهم کلان در برنامه درسی ملی و همین طور در حوزه تربیت و یادگیری علوم انسانی و مطالعات اجتماعی (Supreme Council of Education, 2019) مورد تأکید قرار گرفته است. در پایان بنابر آنچه بیان گردید می توان گفت آموزش هنر عدالت اجتماعی ارتباطی عینی و معنی دار بین آموزش مدرسه ای و زندگی در جامعه برقرار ساخته و آموزش هنر را صرفاً به یادگیری مهارت های هنری متوقف نساخته و موضوعات بسیاری برای فعالیت هنری در جلسات درس هنر فراهم سازد. لذا پیشنهاد می گردد معلمان هنر فعالیت های یادگیری متعددی را فراخور علاقه و نیاز شاگردان، جامعه محلی و سطح کلان جامعه بر اساس آنچه در این نوشتار گفته شد طراحی و ارائه نمایند. البته نکته حائز اهمیت دیگر این است که پژوهشگر در تدوین این مقاله با محدودیت آثار علمی بویژه در حوزه داخلی روبرو بود که امیدوار است این مقاله بتواند زمینه ای برای انجام پژوهش های دیگر بویژه در حوزه اجرای برنامه درسی هنر عدالت اجتماعی باشد.

مشارکت نویسندگان

مقاله صرفاً توسط یک نفر نوشته شده است.

تشکر و قدردانی

در قسمت تقدیر و تشکر باید مشخص شود که مقاله ارسالی حاصل طرح تحقیقاتی یا پایان‌نامه بوده و شماره ثبت، تاریخ ثبت، محل ثبت و تأمین‌کننده منابع مالی ذکر گردد. همچنین از مؤسسه تأمین‌کننده بودجه، افراد و یا سازمان‌هایی که به نحوی در انجام مطالعه و یا نگارش مقاله همکاری نموده‌اند قدردانی می‌گردد.

تعارض منافع

«هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است»



COPYRIGHTS

©2026 The author (s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

References

- Abdollahi, Mohammad Ali (2014). *Introduction to the Concepts of Public Law, Examining the Concept of Citizenship*. Tehran: Guardian Council Research Institute. [in persian]
- Adie AU., Utang DA., Idu JE., Owokor EI. (2025) Creative Resistance: The Role of Art Activism in Advancing Social Justice, *Global Journal of Arts, Humanities and Social Sciences*, 13 (5), 30-41. doi: <https://doi.org/10.37745/gjahss.2013/vol13n53041>
- Anderson, T., & Milbrandt, M. K. (2005). *Art for life: Authentic instruction in art*. New York, NY: McGraw-Hill.
- Bastani, Susan (2008). *Gender, Culture, Values and Attitudes*. Tehran: Culture, Art and Communication Research Institute Publications. [in persian]
- Bigdelo, Reza and Mursali, Soraya (2017). Representation of Racial Identity in Primary and High School History Textbooks in the First Pahlavi Period. *Journal of Cultural History Studies*, Volume 9, Issue 34, pp. 1-24. https://www.chistorys.ir/article_205352.html [in persian]

- Cho, C., & Corkett, J. (2024). Digital Stories: Using an Arts-Based Approach for Social Justice Learning. *Journal of Unschooling and Alternative Learning*, 18 (37). DOI:[10.18502/ijph.v49i7.3602](https://doi.org/10.18502/ijph.v49i7.3602)
- Cornelius, A., Sherow, E., & Carpenter, B. S. (2010). Water: Social issues and contemporary art education. *Art Education*, 63 (6), 25-32. DOI:[10.1080/00043125.2010.11519099](https://doi.org/10.1080/00043125.2010.11519099)
- Crompton, Rosemarie (2017). Class and Social Stratification. Translated by Houshang Naebi. Tehran: Pardis Danesh. [in persian]
- Dashti, Mohammad (2011). *Nahj al-Balagha*. Mashhad: Be-Nashr Publications.
- Davidson, M. (2010). Catching time: Documentary photography and social reflection. *Art education for social justice*, 105-113. https://www.academia.edu/49144513/Social_justice_art_education_from_a_teacher_s_perspective
- Dewhurst, M. (2010). An inevitable question: Exploring the defining features of social justice art education. *Art Education*, 63 (5), 6-13. DOI:[10.1080/00043125.2010.11519082](https://doi.org/10.1080/00043125.2010.11519082)
- Distaso, A. (2007). Well-being and/or quality of life in EU countries through a multidimensional index of sustainability. *Ecological Economics*, 64 (1), 163-180. <https://doi.org/10.1016/j.ecolecon.2007.02.025>
- Emma, johnson (2008). kara walker. included at: *Voices from the gaps. Published by university of Minesota*. <https://hdl.handle.net/11299/166349>
- Fathi, Mohammad and Karami Esfahani, Kazem (2018). *The Constitution of the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Guardian Council Research Institute. [in persian]
- Fazaeli, Mustafa and Karami, Musa (2017). Ethnic Minorities in Iran or Iranian Ethnicities? From a Journalistic to a Legal Perspective. *Journal of Legal Studies of Shiraz University*, Volume 9, Issue 3, Fall 2017. https://www.researchgate.net/publication/344777336_Ethnic_Minorities_in_Iran_or_Iranian_Ethnic_Groups_From_a_Journalistic_View_to_a_Legal_Standpoint [in persian]
- Felleman-Fattal, L. R. (2017). Action research in preservice teachers' arts-integration pedagogies for social justice teaching and learning. *Childhood Education*, 93 (1), 66-72. DOI:[10.1080/00094056.2017.1275244](https://doi.org/10.1080/00094056.2017.1275244)
- Gall, Meredith; Borg, Walter and Gall, Joyce (2019). *Quantitative and Qualitative Research Methods in Educational Sciences and Psychology*, translated by Ahmadreza Nasr et al. Tehran: Samt Publications. [in persian]
- Galloway, T., Scriven, T., & Potts, I. (2010). Take me on a journey: Self-identity through the arts. In T. Anderson, D. Gussak, K. K. Hallmark, & A. Paul (Eds.), *Art education of social justice* (pp.114-119). Reston, VA:

- National Art Education Association. <https://uh-ir.tdl.org/server/api/core/bitstreams/02425a8b-84a6-4855-abaf-219e9b91e8ed/content>
- Greene, M. (2001). *Variations on a blue guitar: The Lincoln Center Institute lectures on aesthetic education*. Teachers College Press.
- Javadi, Ali Mohammad and Maleki, Amir (2019). Qualitative Meta-Analysis of Social Class Opinions in Iran. *Journal of Historical Sociology*, Volume 12, Issue 12, Fall and Winter 2019. <https://www.magiran.com/p2277240> [in persian]
- Kaki, Mohammad and Sadr, Ameneh and Alizadeh Monfared, Seyed Mojtaba (2018). The Effect of Educational Justice on Academic Performance, Satisfaction with Education, and Academic Progress of Male Students in Secondary Schools in Abdanan City in the Academic Year 2018-2020, <https://civilica.com/doc/1601451>. [in persian]
- Karimi, Hossein (1999). *Crimes and Punishments*, Tehran: Islamic Culture Publishing House. [in persian]
- Katz-Buonincontro, J. (2018). Creativity for whom? Art education in the age of creative agency, decreased resources, and unequal art achievement outcomes. *Art Education*, 71 (6), 34-37. DOI:[10.1080/00043125.2018.1505388](https://doi.org/10.1080/00043125.2018.1505388)
- Knight, W. B. (2013). Moving beyond preparing just art teachers to preparing JUST art teachers: Teacher education for equity and social justice. *Stand (ing) up for a change: Voices of arts educators*, 28-36. <https://arteducators-prod.s3.amazonaws.com/documents/618/6143cc05-1471-4c80-8ca0-0d3926d903a9.pdf?1459374289>
- Kohi Aghdam, Elham and Kohi Aghdam, Elahe. (2023). A study of the content of the second grade social studies textbook based on the indicators of national identity, ethics, manners and life skills in the document of fundamental transformation of education. *Research in Social Studies Education*, 5 (1), 23-40. Doi: 20.1001.1.27832279.1402.5.1.2.5
- Leddy, Tom. (2013). Dewey s' Aesthetics. Published at: **Error! Hyperlink reference not valid.**
- Li, D. (2020). Social-justice art-education from a teacher's perspective. *Unpublished doctoral dissertation*. University of Houston. https://www.academia.edu/49144513/Social_justice_art_education_from_a_teacher_s_perspective
- Marcuse, H. (1978). *The aesthetic dimension*. Boston: Beacon Press.
- Makarem Shirazi, Nasser (1995). A Sample Commentary on the Quran; Volume 23. Qom: DarulKotb Islamic Publications.
- Mamur, N., & Saribas, S. (2025). The Pursuit of Social Justice in Art Education: Sharing Life. *Journal of Research in Childhood Education*, 1-16. <https://doi.org/10.1080/02568543.2025.2465580>
- Mehrmohammadi, Mahmoud (2004). *Art Education, What, Why and How*. Tehran: Madrasah Publications. [in persian]

- Mehrmohammadi, Mahmoud (2007) *Curriculum (Viewpoints, Approaches and Perspectives)*, Third Edition. Tehran: Samt Publications. [in persian]
- Musapour, Nematollah (2024). *Curriculum Planning What, Why, How and Challenges*. Tehran: Hamrokh Publications. [in persian]
- Ponzanesi, Sandra. (2019). The art of dissent Ai Weiwei, rebel with a cause 1, Included at; Buikema, R., Buyse, A., & Robben, A. C. (2019). *Cultures, Citizenship and Human Rights* (p. 268). Taylor & Francis. <https://www.taylorfrancis.com/chapters/oa-edit/10.4324/9780429198588-13/art-dissent-sandra-ponzanesi>
- Saini, Angela (2019). *Superior Race, What Does Science Say About Racism?*, Translated by Zohreh Marsous. Tehran: Sailav Publications. [in persian]
- Shirvani Shiri, Ali, Jahromi, Sajideh and Dehghani, Zahra. (2021). Identifying teacher skills and competencies in social and political education and training. *Research in Social Studies Education*, 3 (3), 67-94 Doi: 20.1001.1.27832279.1400.3.3.4.7 [in persian]
- Stevens, S. (2015). Arts-based education for social justice. *Senior Theses*, Swarthmore College. <https://works.swarthmore.edu/theses/349>
- Supreme Council of Education (2019). *National Curriculum of the Educational System of the Islamic Republic of Iran*. **Error! Hyperlink reference not valid.**
- Taheri, Mahboobeh; Afzal Toosi, Effat Sadat & Nozari, Hossein Ali. (2022). Redefining Social Justice in Postmodern Art with a Critical Approach to Cultural Studies. *Journal of Fine Arts - Visual Arts*, 7 (1), 17-28 .Doi:10.22059/JFAVA.2021.304007.666490
- UNESCO. (2013). *UNESCO handbook on education policy analysis and programming*. UNESCO Digital Library, 1, 1-92.
- WHO (2025). Disability. included in: https://www.who.int/health-topics/disability#tab=tab_1 2025/06